

معرفی کتاب

معرفی، نقد و بررسی کتاب مزارات اصفهان

مریم سعیدیان جزی*

مزارات اصفهان، تألیف سید مصلح‌الدین مهدوی،
تصحیح و تعلیق اصغر منتظرالقائم،
چاپ اول، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۱
۵۰۰ صفحه، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه، قیمت ۳۰۰۰ تومان

شناخت نخبگان فرهنگی هر جامعه یکی از مهمترین عوامل شناخت فرهنگ و هویت هر ملتی است. اصفهان به عنوان یکی از مراکز اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی و کانون پرورش نخبگان فرهنگی بوده است. این شهر پس از گسترش اسلام در ایران نقش بسزایی در انتقال علوم مختلف به نسل‌های بعد داشته است. مرکزیت این شهر به‌طور استثنایی بعد از رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و پایتختی اصفهان به‌ویژه در دوران صفویه سبب شد تا از بلاد دیگر نیز برای کسب دانش به این شهر مهاجرت نمایند. بدین ترتیب برخلاف تحولات سیاسی و اجتماعی، محوریت علمی اصفهان همواره حفظ گردید. هم‌اکنون که ایرانیان دارای میراث فرهنگی عظیم و دیرینه هستند، می‌باید هرچه بیشتر در جهت حفظ و یادآوری معارف این سرز و بوم تلاش نمایند. برخلاف اهمیت این موضوع بسیاری از آثار به جای مانده از این مشاهیر (اعم از مزارات و آثار مکتوب) در معرض تهدید جدی - تراکم جمعیت و توسعه فناوری روز و گاه اعمال برخی از صاحب‌نظران اهل فن - قرار گرفته است. به‌ویژه آنکه مورخان و محققان نیز به این دو جنبه کمتر توجه داشته و آن را چندان جدی نگرفته‌اند.



* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

ثبت مزارات موجود در اصفهان اگرچه سابقه‌ای دیرینه از زمان تألیف کتبی چون *ذکر اخبار اصفهان*، تألیف حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۲۰ - ۳۶۶ ق) دارد، اما کثرت و اشارات متواتر برخی از مشاهیر نشان‌دهنده تعداد بیشتری از اسامی است که در کتب گذشتگان ثبت و ضبط گردیده است. در این بین گروهی به اهمیت این موضوع پی برده و تلاش خود را برای شناخت و ذکر نام مشاهیری به کار برده‌اند که امروزه فقط نام آنها را در این کتب ارزشمند می‌یابیم. اهمیت کتب مزارات در حفظ میراث فرهنگی و علمی و به‌ویژه در باب تاریخ فرهنگ و تمدن، کیفیت متون از دست رفته، کیفیت و کمیت تألیفات و آثار مکتوب، مشاهیر علما و شعرا و عرفا و سایرین در نگاه منتقدانه و عالمانه به واقعیات و تحولات اجتماعی و فرهنگی تا بدان‌جاست که با رجوع به مزارات و کتبی که در این زمینه نگاشته شده می‌توان با تاریخ فرهنگ و تمدن هر قوم که خود بخشی مهم از تاریخ محلی است، آشنا شد. این چیزی است که با مراجعه به کتبی که در مورد تاریخ ملتی چون اعراب که آثار مکتوب نداشته‌اند، باستان‌شناسان با استناد به الواح قبور به جای مانده، تاریخی نسبتاً مدون از این قوم را تألیف کرده‌اند (تاریخ عرب، تألیف فیلیپ حتی).

کتاب *مزارات اصفهان* یکی از آخرین تألیفات مرحوم سید مصلح‌الدین مهدوی با تصحیح دکتر اصغر منتظرالقائم در زمینه مشاهیر مدفون در قبرستانهای اصفهان است که گاه شامل نواحی اطراف آن نیز می‌شود. با مراجعه به آثار و شرح حال مؤلف این نکته به دست می‌آید که وی عمر خود را صرف تحقیق و تألیف کتابهایی در خصوص تاریخ و فرهنگ اصفهان نموده است.^۱ پیش از این ملا عبدالکریم گزی در کتاب *تذکره القبور* با تکیه بر مشاهیر و تکایای مزار تخت فولاد و برخی از مزارات معروف شهر اصفهان به این امر اهتمام ورزید.^۲

انگیزه‌های تألیف کتاب را می‌توان در سه عامل مهم خلاصه کرد. اشتیاق مؤلف به زنده نگه داشتن و معرفی خدمات صادقانه بزرگان دین و فرهنگ و تخریب مزارات مقابر بزرگان که دل نویسنده را به درد آورده و بر آن شده تا با حفظ یاد و خاطره گذشتگان، این مهم را به آیندگان منتقل نماید، علاوه بر این حفظ تاریخ علمی اصفهان و سیر تاریخی آن در طول چهارده قرن اسلامی با تأکید بر حفظ آثار علمی مشاهیر^۳ از دیگر انگیزه‌های مؤلف برای تألیف این کتاب است. وی در این باب می‌نویسد: «در حدود سال ۱۳۱۲ ش. که با کتب رجال و شرح حال دانشمندان آشنا شدم. در این اندیشه بودم که چه شده است که تاکنون راجع به دانشمندان و علما و شعرا و حکما... کتابی مستقل تألیف نشده و یا به چاپ نرسیده است و یا اگر شده من از وجود آن ناآگاهم.»

در ادامه اضافه می‌کند با مراجعه به کتبی چون تاریخ نیشابور، رجال قم و غیره بیشتر احساس تأسف نموده است. خلاصه موجود در این زمینه به‌ویژه از قرن هشتم هجری به بعد و غفلت یا تغافل نویسندگان در این مورد او را به فکر انداخت تا آن را رفع نماید (۹: مقدمه مؤلف، ص ۹-۸).

از نظر وی کتابهایی که تا پیش از این تألیف شده، درباره اصفهان و سرگذشت دانشمندان تا قرن یازدهم بوده است و از آن به بعد لازم بود تا مطالعاتی انجام و نام و آثارشان حفظ شود. لذا از سال ۱۳۱۲ در صدد برآمد تا شرح حال تمام بزرگان این شهر را بنویسد. مهدوی ضمن اشاره به اهمیت کتاب *تذکره القبور* گزی در مقام نقد آن می‌نویسد که این کتاب فقط شامل معرفی و شرح احوال یک صد نفر از علمای شیعه در پنج قرن اخیر است (۹: مقدمه مؤلف، ص ۸-۹).

روش تألیف کتاب

نویسنده برای تألیف این کتاب از سه روش عمده بهره برده که به‌طور اختصار عبارت‌اند از:

الف - روش جمع‌آوری مطالب

۱- استفاده از منابع مکتوب: در این باره می‌نویسد: «مطالب مربوط به آن را از هر کتاب و رساله‌ای که به نظر می‌رسید در فیش یادداشت کردم» (۹: مقدمه مؤلف، ص ۱۰). براساس این گفته و با توجه به اهمیت موضوع نویسنده از کتب مختلفی بهره برده است که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد.

کتابهایی که به‌طور تقریباً اخص در ارتباط با اصفهان نوشته شده است. کتب تاریخی و جغرافیای تاریخی اصفهان در اعصار مختلف تاریخ، نسخ خطی، یادنامه‌ها و دست‌نوشته‌ها در این گروه قرار می‌گیرد (۹: ص ۱۶۳).^۴ فهرست رضویه و یادنامه‌ها از اهم منابع مورد استفاده نویسنده کتاب هستند که مؤلف بیشترین اطلاعات خود را از منابع مکتوب از این دسته منابع گرفته است.^۵ سایر منابع شامل کتب عمومی، فرهنگ لغات و کتب مزاراتی می‌شود که الگوی مؤلف در این کتاب بوده و برای تفهیم مطلب، مفید و گاه لازم بوده است.

اگرچه بسیاری از مطالب این کتاب در کتب *رجال اصفهان*، *تذکره الشعرا* و دیگر تألیفات نویسنده آمده است، ولی تازکی مطالب، با توجه به بهره‌گیری از روشهای گوناگون کسب اطلاعات و شیوه تألیف و تکمیل مطالب پیشین مراجعه به آن را پرفایده می‌گرداند.

۲- مشاهده مستقیم: هر جا که لازم بوده مؤلف مزارات را شناسایی نموده و به اطلاعات مکتوب اکتفا نکرده است. سنگ‌نوشته مزار میرسید محمد بروجردی (م ۱۱۹۴ ه) مدفون در قبرستان آب‌بخشان با مشاهدات مستقیم و

اطلاعات علمی در کتاب ثبت گردیده است^۶ در مواردی که با علما و مشاهیری از نزدیک ارتباط داشته، به ذکر مفصل خصایل اخلاقی و امتیازات علمی‌شان پرداخته است. به عنوان مثال می‌توان به توضیحات نویسنده در باب احوالات «سید بدرالدین کتابی» مدفون در باغ رضوان اشاره نمود.^۷

۳- مسموعات: هر جا که لازم بوده، از کمک افرادی که در این زمینه دارای اطلاعات کافی بوده‌اند، استفاده کرده است. این افراد شامل کسانی چون مرحوم عباس بهشتیان یا مردم عادی می‌شده.^۸ بسیاری از مطالب کتاب در باب آثار مدفونان در مزارات، مسموعات نویسنده از وابستگان و شاگردان آنان بوده و در این زمینه از مهمترین گزارش‌های مستقیم مرجع محسوب می‌شود که از آن جمله می‌توان به سؤالات مؤلف از «آیت‌الله ادیب» در ذکر مصادر و مأخذ ایشان اشاره کرد (۹: ص ۳۱۲).

ب - روش تنظیم مطالب

با توجه به آنچه گذشت؛ کتاب *مزارات اصفهان* امتیازات خاصی نسبت به آنچه پیش از این تألیف شده دارد. این کتاب با استناد به سخن نویسنده کتاب شامل اسامی قریب به ۲۰ هزار نفر از مردم اصفهان در هر رشته‌ای از علوم است (۹: مقدمه مؤلف، ص ۱۰).

مؤلف پس از پیشگفتار به تنظیم مطالب خود پرداخته و فهرست الفبایی ۸۰ گورستان شهر را در کتاب خود آورده است. او بحث را از قبرستان «آب‌بخشان» آغاز می‌کند و مبحث گورستان‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- گورستان‌هایی که به مرور زمان از بین رفته است: مثل آب‌بخشان، مردبان، باغ حرم، بکتاش.

۲- مزاراتی که در قرن ۱۴ هجری به دست ادارات دولتی یا مردم خراب شده است: سنی فاطمه، باغ درویش، آفاران، برازان.

در این قسمت هر جا نویسنده به ذکر مطلب می‌پردازد از شهرداری و بلدیة وقت که به تخریب آثار تاریخی پرداخته و هم خود را صرف بسیاری از کارهای غیرضروری می‌کند، شکوه و گلایه دارد (۹: پیشگفتار).

۳- مزاراتی که در حال حاضر موجود است: تخت فولاد، امامزاده‌ها، درب امام و مقبره حجت‌الاسلام شفتی، علاوه بر این موضوع مزارات را با ریزبینی و از جهات مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد:

- موقعیت مکانی مزار: شامل وجه تسمیه و موقعیت جغرافیایی^۹؛ توضیحات نویسنده در مورد وضعیت قبلی و فعلی یک بنا و تاریخچه مختصر (۹: ص ۳۱) سیر تاریخی آن از دیگر مواردی است که خواننده را در ترسیم یک مجموعه واحد یاری می‌رساند.

چنانچه مزار یا مزاراتی در یکی از محلات مشهور شهر

بوده که پیش از این به آن اشاره نکرده، آن را در قالب «فوائد» توضیح می‌دهد. در این موارد گاه از شماره‌گذاری برای توضیح بیشتر استفاده می‌کند.^{۱۰} در مواردی که یک گورستان به نام‌های دیگری شهرت داشته، آن را نیز آورده است. مثلاً در ذکر «تکیه ظلمات» به نام‌های دیگر آن؛ یعنی «مسجد ظلمات» یا «مسجد مقصودبیک ناظر» هم اشاره کرده است (۹: ص ۳۱۷). در این مورد به ذکر برخی مزارات موجود در خارج از اصفهان همچون ارزنان، شاه‌رضا (۹: ص ۲۵۸)، شیخ رجب بررسی (۹: ص ۲۱۹)، استروخاتون پیربکران (۹: ص ۱۵۵)، مزار معلم حبیب‌آبادی (۹: ص ۱۶۱) و شاهزاده محمود دولت‌آباد برخوردار (۹: ص ۲۶۸) پرداخته است.

- مدفونین مزارات و منسوبان به آن: در این کتاب ضمن ترجمه حال هر شخصیتی، مؤلف به نام کامل افراد همراه پسوند و پیشوند (۹: ص ۲۷)، نام پدر، شهرت و اهمیت، سال و محل تولد و وفات، زندگی علمی، مسافرت‌ها، اساتید هر شهر، اشعار و تألیفات با توضیح در باب ابواب و موضوعات کتاب، محل دفن و وضعیت قبر در گذشته و حال (۳: ص ۸۸-۹۳)، وضعیت بازماندگان و پسوندهای فامیلی و اشعاری که برایش سروده شده اشاره می‌کند. اگر متوفی دارای مشاغل سیاسی یا حکومتی بوده نیز به آن می‌پردازد. توضیحات مهدوی در شرح حال «میرزا محمدابراهیم خوزانی» نمونه‌ای از آگاهی مؤلف از سوابق فردی است که در مورد او می‌نویسد.^{۱۱}

چنانچه متوفی «شاعر» بوده به درجه اهمیت و تخلص، وابستگی‌های فرقه‌ای و مشرب شاعر، اشعار به جای‌مانده از وی، تعداد دیوان‌ها، نوع و سایر آثارش اشاره کرده است.^{۱۲} اگر متوفی دارای القاب و عناوین خاص بوده پیش از ورود به اصل مطلب به توضیح «وجه تسمیه» و ریشه‌یابی آن کلمه پرداخته است.^{۱۳} در برخی موارد مؤلف با استناد به منابع، برخی اصطلاحات و اضافات اسامی اشخاص را رد کرده است. استنتاجاتی که در مورد لقب «شیخ الاسلامی» ملا محمدجعفر آمده نمونه‌ای از این مدعا است (۹: ص ۱۴۶-۱۴۷). چنانچه متوفی از خاندان‌های مشهور اصفهان بوده آن را توضیح داده (۹: ص ۱۱۷)^{۱۵} و بنا به اهمیت متوفیان، در مورد شرح احوالاتشان تفاوت قایل شده است. برخی مدفونین و منسوبین به مزارات را فقط نام برده یا مختصری شرح نگاشته؛ ولی ترجمه مشاهیری چون صاحب‌بن عباد، ابونعیم اصفهانی، ابومسعود رازی، خواجه نظام‌الملک طوسی، سنی فاطمه و ابودرداء را مشروح آورده است.

ج - روش تألیف مطالب

یکی از ویژگیهای کتاب مزارات این است که مؤلف در بسیاری از جاها به منظور رعایت امانت و ایجاد حس اعتماد



خواننده نسبت به صحت مطلب و احترام به اساتید و بزرگان، نام منبع، مجلد کتاب و شماره صفحه را می‌آورد. مثلاً در مورد محل قبر «میرزا حیدرعلی شیروانی» می‌نویسد: «برحسب مرقومات مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی علیه‌الرحمه قبرش در خارج بقعه علامه مجلسی می‌باشد. در برخی از مواضع الذریعه و تذکره الانساب، وی را ساکن نجف اشرف می‌نویسند و در هیچ یک از کتب به سال تولد او اشاره نشده است.» (۹: ص ۳۶) همچنین در نقل عبارات ترجمه کتاب محاسن اصفهان درباره مسجد لبنان در داخل پرانتز می‌نویسد: «به خلاصه و اندک تصرف در عبارت.» (۹: ص ۵۷)

مؤلف کتاب اثر خود را بی‌نقص نمی‌داند. چرا که هر جا لازم باشد و به عبارت دیگر در مورد مطلبی که باید کار بیشتری صورت گیرد، در قالب لغت «تذکر» پیشنهاد می‌کند که تحقیقاتی صورت گیرد. به عنوان مثال می‌توان به «شرح احوال خاندان کلباسی» اشاره کرد (۹: ص ۷۲).^{۱۶} همچنین هر جا که مظنون بوده و در مورد صحت نقل مطلب به یقین نرسیده علناً آن را نوشته و با توجه به روحیه علمی‌اش به دفاع از آنچه نمی‌دانسته نپرداخته است. به عکس هر جا صحت مطلبی بر او اثبات شده نظر درست را ارائه می‌دهد، مثلاً با وجود شواهد و شک افراد در مورد قبر «ابن سینا» می‌نویسد: «بنا بر شواهد فوق وجود قبر ابن سینا در اصفهان یقینی بوده و در این مورد هرگونه شک و تردید بیجا می‌باشد» (۹: ص ۷۸).

یکی دیگر از ویژگیهای مؤلف، نقد بسیاری از مطالبی است که در رد یا اثبات آن به حجت دست یافته و در مقام یک صاحب‌نظر به نقد آن مطلب پرداخته است. (۹: ص ۷۹-۷۸) وی گاه با تأیید یک مطلب که از کتابی نقل می‌کند، نظر خود را نیز آورده است. به عنوان مثال در مورد وجه تسمیه «استرومردخای (استروخاتون)» در قصبه «پیربکران» که زرین‌کوب معتقد است یک افسانه است؛ با نقل داستانی که از کتاب «گزیده آثار درباره اسلام و اجتماع (ص ۴۸۰)» با اندکی تغییر، داستان را تأیید و وجه تسمیه استرومردخای را به این ترتیب می‌پذیرد (۹: ص ۱۰۰-۹۹).^{۱۷} در مواردی هم اگر مطلبی را نقل کرده، پس از تأیید صحت ضمنی یا عینی آن، مطلب را پذیرفته یا رد نموده است.^{۱۸}

در مورد اختلاف نظر درباره «ابودرداء» مؤلف به این نتیجه رسیده که کسی که در اصفهان مدفون است، ابودرداء صحابی نیست. وی علت این امر را در چهار عامل خلاصه می‌کند:

- ۱- عدم ذکر نام وی در شمار اصحاب پیامبر (ص) که به اصفهان وارد شده‌اند.
- ۲- شاید وی یکی از محدثان اصفهان بوده که به ابودرداء

شهرت یافته، لذا چون ابودرداء صحابی شهرت و عنوان داشته و مردم اصفهان در قرون نخستین سنی بوده‌اند؛ این فرد را به وی منتسب کرده‌اند.

۳- در مورد نام اصلی ابودرداء ۹ اسم را آورده و نوشته، که در مورد آن نیز اختلاف است.

۴- مؤلف می‌نویسد: «در دایرةالمعارف تشیع وی را با «عامر بن عبدقیس عنبری» یکی دانسته و گوید از زهاد ثمانیه است و اشتباه ظاهر است و نام ابودرداء «عامر بن قیس» است نه عامر بن عبدقیس» (۹: ص ۲۲۹-۲۲۸).

نویسنده در این زمینه گاه روایات مختلف راجع به یک موضوع واحد را جمع نموده و دیدگاه و تحلیل شخصی خود را درباره آن آورده که نشان از تسلط علمی و قدرت تفکر او دارد. چنانکه درباره شخصیت مذکور در نهایت به این نتیجه می‌رسد که: «علی‌هذا باید گفت ابودرداء مدفون در قریه زهران یکی از محدثین اصفهان است نه ابودرداء صحابه، والله اعلم بحقایق الامور. به ظن بسیار ضعیف قبر موجود مربوط است به ابودرداء مروزی محدث که سالها در اصفهان حدیث می‌گفته و ساکن این شهر بوده و احتمالاً در اصفهان نیز وفات یافته است» (۹: ص ۲۳۱).^{۱۹}

با توجه به آشنایی مؤلف با برخی از مبانی فرهنگ اسلامی در صورت مشاهده بدعت‌ها و اعتقادات خرافی مردم، به مخالفت با آنها برخاسته است. از آن جمله می‌توان به رسم پختن آش ابودرداء (۹: ص ۲۳۰) و رؤیایی که یک نفر امام حسین (ع) را در مقبره شاه زید دیده (۹: ص ۲۷۲) اشاره کرد.

در شرح احوال بسیاری از مشاهیر به ذکر کتب مربوط به احوالات او نیز پرداخته است. به عنوان مثال در احوال اسحق بیگ عذری (۱۱۸۵ هـ) آورده «در آتشکده آذر، تذکره اختر، رجال اصفهان، سفینه‌المحمود، مجمع‌الفصحا و مکارم‌الآثار، شرح حال او به‌طور اختصار مذکور است و قریب ۲۵ بیت از اشعار او مسطور از آن جمله است...» (۹: ص ۲۰۷). با توجه به آنکه مؤلف در زمینه رجال اصفهان تألیفات دیگری داشته؛ هر جا ترجمه فردی را در کتابهای پیشین خود به‌طور مفصل آورده، به اشاره‌ای اکتفا می‌کند. به‌عنوان نمونه چند بیت از «برومند جزئی» را آورده و می‌نویسد: «گفته آن را به تمام در تذکره‌الشعراء آورده است» (۹: ص ۱۲۸).^{۲۰} در مواردی به آنچه در کتابش نقل کرده مضمون است و فقط به این دلیل که جزو مزارات بوده و شهرت داشته آن را بیان کرده است. مثلاً در تاریخ قتل سلطان‌بخت آغا (۷۶۹ هـ) و تاریخ ساخت بنا (۷۵۲ هـ) که به دستور این زن ساخته شده، شک کرده و حتی در مورد مکان بنا نیز مشکوک است.^{۲۱}

امتیازات کتاب

کتاب مزارات اصفهان علاوه بر شیوه‌های نگارش که گذشت؛ امتیازاتی هم دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- استفاده از روشهای متنوع و متفاوت در جمع‌آوری اطلاعات: با توجه به آنکه نویسنده از روشهای مختلفی برای تألیف کتاب مزارات بهره برده روش خود را در مقایسه با بسیاری از نوشته‌هایی که فقط به‌صورت مکتوب انجام می‌گرفته رجحان داده است.

۲- تسلط علمی مؤلف بر علوم انسانی و استفاده از آن در قالب توضیح و تکمیل و فایده در متن: مهمترین امتیاز کتاب ارائه اطلاعات مفید و متعددی است که در موضوعات متنوع تاریخی، فرهنگی، هنری و اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی اصفهان و ممیزات این شهر در اعصار مختلف مطالبی را منتقل می‌کند.

یکی از مهمترین ویژگیهای کتاب مزارات تسلط علمی و فکری نویسنده بر تاریخ گذشته و معاصرش در زمینه اوضاع اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و سایر مواردی است که ما را با تاریخ گذشته این دیار آشنا می‌کند. در این باب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - تخریب اماکن تاریخی: چون خانه معتمدالدوله گرجی، حاکم اصفهان در عصر فتحعلی‌شاه قاجار، که از آثار دوره صفویه بوده و هم‌اکنون به فضای سبز تبدیل شده است (۹: ص ۱۷).^{۲۲}

ب - اطلاع‌رسانی در مورد تاریخچه گورستان‌ها: مؤلف در این باره می‌نویسد: «در قرون اولیه اسلام عمدتاً قبرستان‌ها

در جنب مساجد بوده است، خواه مقبره خصوصی و خواه عمومی» (۹: ص ۳۱).^{۲۳} اطلاعات تاریخی از عوامل مهمی است که گفته‌های نویسنده را شواهد و قرائن علمی مستند می‌کند.

در زمینه معماری نیز مؤلف به ذکر برخی ویژگیهای مدارس که با سبک ویژه‌ای ساخته شده می‌پردازد. اشاره به فرق اهل سنت در قرون ابتدایی و مرکزیت اصفهان در علوم و فنون، حدیث، فلسفه، فقه، اصول و ادب نیز از امتیازات این کتاب است.^{۲۴}

با توجه به نقش مؤثر مردم اصفهان در مبارزات ضد استعماری، به ترجمه مشاهیر مطلی می‌پردازد که نام و فعالیتشان در کتب عمومی و ملی کمتر آمده است (۹: ص ۱۷-۱۶).^{۲۵}

۳- احاطه نویسنده بر تراجم رجال: با توجه به تلاش برای کسب اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر و وجود قرائن و شواهد بسیاری از مشاهیر و تقارن زمانی و مکانی مؤلف با آنان سبب شده است تا اطلاعات متقنی را ارائه دهد. به عنوان مثال در شرح حال «صغیر اصفهانی» به نام نه نفر از فقها و محدثین و عرفا و شعرا از قرن سوم به بعد - که به «صغیر» معروف بوده‌اند، پرداخته است (۹: ص ۳۱۴-۳۱۵). علاوه بر این بررسی زندگی مشاهیر در ابعاد مختلف شخصی، اجتماعی، سیاسی، ادبی و اسلاف و اخلافتان از منظر وی دور نمانده است (۹: ص ۲۷-۲۶).

۴- تسلط به زبان عربی: نویسنده با احاطه به زبان عربی به بررسی و بازخوانی بسیاری از تألیفات متوفیان، الواح، سنگ‌نوشته‌ها و ریشه‌یابی لغات می‌پردازد (۹: ص ۳۱۴).

۵- دسترسی به منابع اصلی، متنوع و کثیر: این امر را می‌توان با مراجعه به متن و فهرست منابع کتاب (۹: ص ۳۱۴ و ص ۲۰۷) و تا حدودی به عنوان «روش جمع‌آوری» مندرج در این مقاله به وضوح تأیید کرد.

۶- داشتن روحیه علمی (نقد و تحلیل): مؤلف در پیشگفتار کتابش به ذکر محاسن و ویژگیهای تاریخ‌نویسی زمان خود و پس از آن و شرایط یک محقق تاریخ پرداخته است. (۹: ص ۱۱) (رجوع کنید: عنوان «روش تألیف» در این مقاله).

۷- جامع بودن کتاب: از نظر اشمال بر مشاهیر اصفهان مدفون در مناطق گوناگون این دیار؛ یکی از امتیازات کتاب مزارات آن است که ضمن اشاره همه‌جانبه به بسیاری از مشاهیر مدفون در مقابر و مزارات مختلف، برای نخستین بار به شرح احوال مشاهیر معاصر - که در باغ رضوان - مدفون هستند، می‌پردازد. نویسنندگان سلف به‌طور اخص به ترجمه رجال مدفون در اصفهان و به‌ویژه مزار «تخت فولاد» اکتفا می‌کردند. کار مؤلف در زمینه معرفی مشاهیر معاصر و بیان اهمیت باغ رضوان در ردیف مزار تخت فولاد به‌عنوان یک منبع قابل استناد معرفی می‌گردد.



ج - عدم رعایت کامل ترتیب زمانی: نویسنده در مورد توالی و تقدم زمانی و تاریخی دقت کافی به کار نبرده است. به عنوان مثال در مورد مقبره «صائب تبریزی اصفهانی» پس از موقعیت‌یابی جغرافیایی این مکان به ذکر مدفونین آن می‌پردازد، ولی نامشان را براساس تاریخ وفات نمی‌آورد^{۲۸} که با توجه به تسلط علمی نویسنده به نظر می‌رسد اگر مطالب را به صورت موضوعی و با روشهای علمی مناسب طبقه‌بندی می‌کرد، فهم مطالب و چینش آنها از منظر ذهن کنجکاو مخاطبان و خوانندگان این کتاب آسانتر و مفیدتر می‌بود.

د - برخی مطالب سندیت علمی ندارد: با توجه به استفاده وسیع نویسنده از منابع تخصصی و عمومی و رعایت امانت علمی در ارجاع و آدرس‌دهی، در مواردی هم از اشاره به منبعی که مطلب مورد نظر را آن کتاب نقل می‌کند، خودداری کرده است.^{۲۹} در برخی جاها به‌طور تلویحی به منابع اشاره کرده و سپس به نقد مطلب پرداخته است.^{۳۰}

ذ - ناهماهنگی در نوشتار: در یک جا در ذکر احوال «صاحب‌بن عباد» نام شش تن از اساتید و مشایخ اجازه وی را به نقل از اخبار اصفهان آورده و در جای دیگری در ادامه همین مبحث ذیل عنوان «اساتید و مشایخ صاحب» به نقل از نویسندگان کتب تراجم نام ۱۱ تن از این افراد را ذکر کرده که هیچ کدام از این اسامی با نام‌هایی که در صفحات پیشین آورده مشترک نیست (۹: به ترتیب ر.ک. ۹: ص ۲۸۵ - ۲۸۴ و

۸- توجه به مشاهیر علوم در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی، هنری و فنی

۹- ارائه پیشنهادها: یکی از ممیزه‌های کتاب ارائه پیشنهادها برای لازم و مفید برای کسانی است که همچون او قلبشان برای حفظ میراث گذشته می‌تپد و از دستشان کاری برمی‌آید. نویسنده هر جا که لازم بوده تحقیق بیشتر و علمی‌تری - که منطبق با شواهد و مستندات علمی باشد - صورت گیرد؛ در قالب «تذکر» در پایان هر ترجمه اضافه نموده و به‌طور تلویحی زمینه‌های تحقیقی را در این موارد جهت‌دهی می‌کند. در این باره می‌توان به شرح حال خاندان کلباسی (۹: ص ۷۲) و پیشنهاد حفظ قبور مشاهیر یا حداقل ثبت آنها پیش از تخریب اشاره کرد (۹: ص ۱۸).

نقد و ارزیابی کتاب

با تمام آنچه گذشت؛ از آنجا که این مقاله با هدف معرفی و نقد و بررسی کتاب مزارات تنظیم گردیده و از سوی دیگر انتقاد به معنای تشخیص درست و منطقی سره از ناسره است، بخش پایانی این مقاله به ارزیابی این کتاب اختصاص یافته است. اهم مواردی که در این زمینه می‌توان به آنها اشاره کرد عبارت‌اند از:

الف - گسیختگی و عدم انسجام مطالب (در زمان تنظیم): برخلاف آنکه مؤلف دارای اطلاعات وسیعی در زمینه‌های گوناگون بوده، در برخی موارد هرگاه مطلبی را به دست می‌آورده یا به ذهنش خطور می‌کرده، لابه‌لای متن جا می‌دهد. این امر در برخی جاها سبب عدم انسجام موضوعی و مفهومی مطالب متن کتاب شده است. به عنوان مثال باید به شرح حال صاحب‌بن عباد مراجعه کرد (۹: ص ۲۸۵ - ۲۸۴).^{۲۶} به نظر می‌رسد در این زمینه هدف نویسنده صرفاً ارائه اطلاعات لازم و مفید و تقریباً کامل بوده، فرصت بازنگری مجدد و دسته‌بندی مطالب را نیافته است.

ب - اطالة کلام و حاشیه‌روی: نویسنده گاه اطلاعات عمومی خود را وارد متن کرده این امر سواى مفید بودنش سبب بریدگی بین مطالب و دور شدن نویسنده از بحث اصلی خود شده است. به عنوان مثال ذیل عنوان «مقبره ابودرداء در زهران» پس از ذکر مطالبی درباره موقعیت تاریخی و جغرافیایی این مکان، به نقل از کتب حدیثی و تاریخی قرون اول از شخصی به نام ابو ربیع زهرانی یاد می‌کند. که با عنوان مذکور مناسبتی ندارد؛ به علاوه ذیل عنوان «ابودرداء» به تشریح قریه زهران پرداخته است (۹: ص ۲۲۷).^{۲۷} اطالة کلام و حاشیه‌روی نویسنده به ویژه در مورد واژه‌شناسی برخی کلمات مثل «پیر» و «چهل» به‌طور عینی قابل مشاهده است (۹: به ترتیب ر.ک. ۹: ص ۱۵۴ و ۱۵۲ و ۱۶۰ - ۱۵۹).

۲۹۰ - ۲۸۹).^{۳۱} همچنین در مورد دختران امام موسی بن جعفر^(ع) در یک مورد می‌نویسد؛ آن حضرت سه دختر داشته که محل دفن هیچ‌کدام را ذکر ننموده‌اند (۹: ص ۲۳۱) و در جای دیگری با استناد به همان منابع می‌نویسد برای امام کاظم^(ع) دو دختر به نام فاطمه ذکر شده که فاطمه دوم در اصفهان و مشهور به سنی فاطمه است (۹: ص ۲۴۳).

مؤلف کتاب در یک جا اشاره می‌کند که: «نویسنده در نظر ندارد که مقابر بزرگان از علما و محدثان و ادبا و شعرا و حکما و فلاسفه و دیگران مشاهیر علمی و ادبی و هنری که در اطراف اصفهان مدفون می‌باشند را از شهرها و قصبات سده، قمشه، اردستان و زواره و نجف‌آباد و غیره نقل کند.» و در ادامه می‌نویسد: «و تذکر به مقبره حافظ برسی به خاطر ذکر اختلاف در موضع قبر مشارالیه می‌باشد.» (۹: ص ۲۱۹) این در صورتی است که در جاهای دیگر کتاب از «بقعه شاهرضا» و «شاهزاده محمود» دولت‌آباد برخوار و «مقبره حافظ شیخ رجب برسی» در اردستان و مقبره پیربکران یاد کرده است (۹: به ترتیب ر.ک. ص ۲۵۸ و ۲۶۸ و ۱۵۵ و ۲۱۸).
ه - تکرار مطالب: مؤلف در بعضی جاها برخی مطالب را مکرر نقل می‌کند. نمونه این امر را می‌توان در مورد تکرار شرح حال بابا فولاد (پولاد) حلوانی مشاهده کرد (۹: ص ۱۰۹ و ۱۱۱ و ۲۸۵ - ۲۸۴).

و - اشتباهات تاریخی کتاب: نویسنده با توجه به تسلط به تاریخ، یک حادثه را در برخی جاها با ذکر سند و در برخی بدون ذکر سند، تحلیل و ارزیابی می‌کند. به عنوان مثال به نقل از کتاب *ذکر اخبار اصفهان* فتح اصفهان را توسط ابوموسی اشعری و با جنگ آورده است. در حالی که با توجه به شواهد و قراین موجود در اسناد تاریخی این روایت پذیرفتنی نیست.^{۳۲}

در جای دیگری معتقد است که عامل مستقیم سقوط یک دولت کشته شدن یک نفر است. به عنوان مثال قتل شاه‌علاءالدین محمد (مقتول در سال ۸۵۱ هـ)، توسط شاهرخ تیموری را باعث سقوط سلسله تیموری دانسته و می‌نویسد: «شاهرخ پس از این جنایت فجیع هشتاد روز بعد در سال ۸۵۱ در حوالی شهر ری مرد و این عمل ناپسند او بر وی و خاندانش، شوم و نحس بود، به طوری که پس از چند سال، سلطنت از خاندان تیمور بر اثر اختلافات آنها به دیگر سلاطین منتقل شد...» (۹: ص ۲۸۰ - ۲۷۹).^{۳۳} اگر بخواهیم سقوط یک دولت را بررسی کنیم لازم است با توجه به شواهد و قراین مختلف و زمینه‌هایی که باعث انحطاط و سقوط یک دولت شده پرداخته شود.

ز - تناقض گفتار نویسنده در این کتاب و کتابهای دیگرش: نویسنده در شرح حال بابا لکات از عرفا و صوفیانی که در قرون ۷ و ۸ هـ در اصفهان می‌زیسته؛ مدفن وی را به نقل از

مرآت‌البلدان ناصری در کتاب مزارات در «محلّه خواجو» آورده (۹: ص ۱۱) در حالی که در کتاب «سیری در تخت فولاد اصفهان» ذیل عنوان «تکیه بابا لکات» به نقل تفهیمی از سفرنامه شاردن می‌نویسد: «بابا لکات در تخت فولاد اکنون تکیه و خانقاه او از بین رفته است» (۱۰: ص ۷۴).

ح - عدم رجوع به منابع اصلی در برخی موارد: از دیگر انتقاداتی که به کتاب مزارات وارد است، اینکه نویسنده برای استناد مطالب خود به منابع اصلی مراجعه نکرده است و این با توجه به اطلاعاتی که کتاب در اختیار خواننده می‌گذارد می‌تواند سندیت آن را خدشه‌دار کند. به عنوان مثال مدفن «خواجه نظام‌الملک توسی»، وزیر معروف سلجوقی، را به نقل از «معجم‌البلدان» در محلّه کزان آورده (۹: ص ۱۸۴). این در حالی است که در کتاب مذکور ذیل عنوان «کزان» چنین مطلبی نیامده است (۴: ص ۴۴۴).

ط - انکار مطالب و نسیان مطالب پیش گفته: مؤلف در ذکر «مقبره ساروتقی»، وزیر دولت صفوی، پس از ذکر تفصیلی شرح حال وی، مدفنش را زیر گنبد آجری «مسجد محمدعلی سلیمانی» (از مساجد دوره صفوی) می‌نویسد و در جای دیگری ذیل عنوان «سه موافق یا سه مافق» آورده این مقبره متصل به مسجد سلیمانی در ضلع جنوبی قبر ساروتقی است و در حوالی آن سه قبر بوده است که در طول تاریخ از بین رفته و مشهور به سه موافق یا سه مافق است و...» (۹: ص ۲۶۶).

تصحیح و چاپ کتاب

کتاب *مزارات اصفهان* با تلاش پیگیر دکتر اصغر منتظرالقائم از استادان گروه تاریخ دانشگاه اصفهان تصحیح شده و چاپ شده است. وی علت چاپ این کتاب را خدمت به تاریخ فرهنگ اصفهان و جاویدان ماندن یاد و خاطره دانشمندان و به‌ویژه مهدوی و حفظ این اثر اعلام می‌دارد (۹: مقدمه مصحح).
مصحح کتاب برای ارائه این کار به عموم و تکمیل و دسترسی آسان به کتاب؛ از روشهای مختلف و متنوع چون تصحیح، مقابله مطالب و اشعار با منابع، تکمیل مآخذ و معرفی منابع جدید، تهیه فهرست مطالب، تکمیل جافتادگی‌ها، اضافه کردن شرح و توضیحات در پاورقی و تهیه فهرست‌های اعلام و منابع کتاب استفاده کرده است.

یکی دیگر از امتیازات تصحیح کتاب آن است که مصحح برای نخستین بار «گلستان شهدا» را به‌طور مستقل و با استفاده از روش مشاهده تکایا و مزارات، مقابر و تطبیق آن با سنگ‌نوشته‌ها، مصاحبه با مطلعین و بازماندگان مشاهیر آن و خانواده شهدا، آشنایی با برخی مشاهیر شهدا، در دست داشتن بعضی از وصیت‌نامه‌هایشان و استفاده از بایگانی اسناد منتشر نشده (۹: ص ۳۸۵) تعداد ۶۷۰۹

شهید را که تا تاریخ ۷۹/۶/۱۵ در تکیه (گلستان) شهید به خاک سپرده شده‌اند؛ ذکر کرده است.

نکته شایسته توجه، آنکه اطلاعات تاریخی مصحح باعث می‌گردد در بسیاری از موارد اشتباهات نویسنده را تذکر و به نقد بکشاند. ارائه تصاویر و عکس‌هایی از برخی مقابر و آثار ارزشمند تاریخی مثل کتیبه‌ها و مزارات مشاهیر و شهدای گلستان شهید از دیگر امتیازات و اضافاتی است که بر این کتاب تعلیق شده است.

سخن آخر

آنچه گذشت فقط به منظور معرفی کتاب و ارائه برخی نقدهای وارده بر آن بوده است. ولی این امر به هیچ عنوان از اهمیت و قدرت و قوت تسلط علمی مؤلف و آثار گرانسنگی که در خدمت به فرهنگ اصفهان نگاشته است، نمی‌کاهد. تعهدی که مرحوم مهدوی نسبت به حفظ نام و آثار مشاهیر مختلف داشته او را وادار می‌کند تا به خواص و عوام گوشزد کند که «مزارات» یکی از ارزشمندترین آثار میراث فرهنگی ایران اسلامی است که تعهد و همیاری عموم افراد را می‌طلبد و باید در حفظ این گنجینه گرانمایه به‌ویژه در مورد شهری چون اصفهان بسیار مورد توجه قرار گیرد.

امید است این کتاب در جهت حفظ میراث فرهنگی، غنای علمی و عملی علوم انسانی و دینی و تعهد مکتبی؛ راهی فراسوی تمام علاقه‌مندان به تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی قرار دهد و با احیاء و ایجاد هویت اسلامی و ملی برای نسل جوان، آنان را برای رسیدن به آینده‌ای روشن، پایدار و امیدبخش راهنما و معلمی آگاه باشد.

با بازنگری مجدد کتاب مزارات و توجه به بازنشاسایی تحقیقی اصول حاکم بر تألیف کتاب و انتقاداتی که نگارنده این مقاله به دلیل تلاش علمی چندین ساله بر روی مزارات و مشاهیر و تتبع و تعمق در کتب دیگر و به حسب علاقه به فرهنگ دینی و بومی (محلی) دیار زرخیز اصفهان که چون نگینی بر تارک ایران اسلامی می‌درخشد و اهمیت کتاب در اطلاع‌رسانی به‌ویژه در مورد تراجم مشاهیر رجال با مراجعه دوباره به کتاب می‌توان بهتر و دقیق‌تر از اطلاعات مفید آن بهره‌مند شد.

پی‌نوشت

۱- سید مصلح‌الدین مهدوی در پانزده محرم الحرام سال ۱۳۳۴ ه. ق در یکی از محلات قدیمی اصفهان در خاندان علم و زهد چشم به جهان گشود. پدرش سید محمدتقی (معروب به نحوی)، از علما و ادیبان عصر خود بود. مصلح‌الدین، علوم قدیم و جدید را در مدارس علمیه و جدید فراگرفت و در نزد بزرگانی چون معلم حبیب‌آبادی،

مؤلف کتاب مکارم‌الآثار، و آیت‌الله میرسید میرمحمد صادقی و سایر علما در اصفهان و تهران تلمذ کرد و از چند نفر از بزرگان و مجتهدان و آیات عظام به اجازه روایت مفتخر گردید و پس از عمری تلاش و پشتکار در اصفهان به تعلیم و تربیت اشتغال ورزید و پس از بازنشستگی به تحقیق و تألیف پرداخت و آثاری درباره ائمه معصومین (ع)، دانشمندان و مشاهیر علمی و فرهنگی تاریخی فرهنگ و تمدن اسلامی به رشته تحریر در آورد که تاکنون بسیاری از کتب و مقالات وی به چاپ رسیده است. کتب تذکرة الشعراء، رجال اصفهان، سیری در تخت فولاد اصفهان، حواشی بر تذکرة القبور مرحوم گزی و نمونه‌هایی از این قبیل از مهمترین تألیفات در زمینه مزارات مشاهیر و شرح حال آنان از مهمترین آثار وی می‌باشد. برخی از اینها هنوز به زیور طبع آراسته نشده است. مهدوی پس از عمری تلاش سرانجام در تاریخ ۴ تیر ۱۳۷۴ ش / ۲۶ محرم ۱۴۱۶ ه. ق بدرود حیات گفت و پیکرش را در مزار تخت فولاد «تکیه مهدوی» به خاک سپردند (۹: تلخیص مقدمه مصحح).

۲- ر.ک. ملاحظه‌الکریم گزی، تذکرة القبور، به کوشش ناصر باقری بید هندی (۸: صفحات نخستین). مهدوی بر این کتاب شرحی نگاشته که با عنوان «رجال اصفهان» موجود است. همچنین وی در کتاب تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، به تفصیل درباره مشاهیر اصفهان و با ترتیب الفبایی نام کوچک مشاهیر توضیح داده است.

۳- صفحات نخستین کتاب به این مقولات می‌پردازد (کتاب شماره ۸).
۴- از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ذکر اخبار اصفهان، البلدان، معجم البلدان، تاریخ فخری، محاسن اصفهان، زبدة التواریخ، عالم آرای عباسی، مجمع التواریخ، سفرنامه شاردن، تاریخ حوزین، وقایع السنین و الأعوام، تاریخ اصفهان و ری، نصف جهان فی تعریف اصفهان، خلدبرین (ملا احمد بیان الواعظین)، آثار ملی اصفهان، کتاب اصفهان (نور صادقی)، فرهنگنامه واژه‌ها و روستاها و دیه‌های اصفهان (محمد مهریار)، رساله ارشاد، تاریخ نائین، امامزاده‌های اصفهان، نسخ خطی موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، نسخه خطی کسبی چون کتاب مطلوب القاری (تألیف میرزا محمدبن جهانبخش مازندرانی / م: ۱۱۲۰ ه) (۹: ص ۲۹ - ۲۸).

۵- به عنوان نمونه می‌توان به منابع زیر اشاره کرد: تذکرة نصرآبادی، آتشکده آذر، آتشکده اردستان، تنمیت‌الامل، مکارم‌الآثار، اعیان‌الشیعه، طبقات اعلام شیعه، الذریعه الی تصانیف‌الشیعه، روضات الجنات، ریحانة‌الادب، فواید‌الرضویه، الکنی و الالقاب، لباب‌الالباب، مجمع‌الفصحاء، تحفة‌الاحباب، نظام‌الأقوال، نامه دانشوران، مقالات‌العارفین، مقالات‌العرفاء، مقالات‌الحنفاء، وفيات‌الأعوام، المعجم‌الکبیر، هدیه‌الأحباب، الأعلام زرکلی، رجال نجاشی، معجم‌الادباء، طبقات سبکی، عمدة‌الطالب، مقاتل‌الطالبین.

۶- مهدوی در این رابطه می‌نویسد: «سنگ مزار او به خط استاد علیقلی زمانی بوده» (۹: ص ۲۹) و نیز در احوالات خواجه کمال‌الدین محمد (م ۹۳۵ ه) مدفون در آب‌بخشان که در مورد

وضعیت سنگ قبر وی می‌نویسد: «تا چند سال قبل سنگ او موجود بود، ولی بعداً به سرنوشت دیگر سنگهای مزارات این گورستان و سایر مقابر اصفهان دچار گردید.» (۹: ص ۲۸).

۷- مؤلف در این باره می‌نویسد: «مرحوم [بدرالدین] کتابی معلمی شایسته و استادی ارجمند و انسانی کامل بود. از ریا و خودنمایی به دور و فروتن و بی‌تکبر، آرام و دوست داشتنی و مهربان [بود] به همه احترام می‌گذاشت و همگان وی را دوست می‌داشتند... ریاست‌های دنیا او را تفریفت و خویشتن خویش را هر حال نگاهداری کرده، خدایش رحمت کند که شایسته رحمت الهی بود.» (۹: ص ۱۴۸ و ۱۱۸ و ۱۲۰).

۸- به عنوان مثال در ذکر تاریخ محله باب‌الدشت با آقای سیستانی مصاحبه نموده است (۹: ص ۷۵).

۹- مهدوی دربارهٔ موقعیت جغرافیایی «باغ رضوان» می‌نویسد: «گورستان جدید اصفهان که در سمت جنوب شرقی در فاصلهٔ بیست و چند کیلومتری شهر در بالای قریه گورت - از بلوک قُهاب قرار دارد.» (۹: ص ۱۱۶).

۱۰- روستاها اغلب از این جمله‌اند مثل روستای آفاران (۹: ص ۴۸) یا مکان سر قبر آقا (۹: ص ۵۴)، یا اشاره به اردستان در قسمت مقبرهٔ حافظ برسی در بخش توضیح و تکمیل (۹: ص ۲۱۹).

۱۱- مهدوی در مورد وی می‌نویسد: «سالها در عهد ناصرالدین شاه، قاضی عسکر بوده.» (۹: ص ۲۶۶).

۱۲- عبداللهی متخلص به خوروش (۹: ص ۱۲۶ - ۱۲۵) به عنوان مثال می‌توان به شرح نویسنده در احوالات ابن‌یمین اشاره کرد (۹: ص ۲۷ - ۲۶).

۱۳- آخوند (۹: ص ۳۰)، آقا (۹: ص ۵۰)، بابا (۹: ص ۱۰۸)، خواجه (۹: ص ۱۷۹).

۱۴- در ذکر ملا محمدجعفر مدفون در جنوب مسجد حکیم آورده: «مرحوم ملا محمدجعفر را به مناسبت آنکه فرزند ارشد مولی محمدباقر خراسانی شیخ‌الاسلام بوده و منصب شیخ‌الاسلامی در خاندان وی برقرار بوده است شیخ‌الاسلام دانسته‌اند. در صورتی که مشارالیه به این سمت انتخاب نشده است و فرزندش میرزا محمدرحیم (م ۱۱۸۱ هـ) بدین سمت انتخاب و تا این اواخر در بین اعقاب او منصب شیخ‌الاسلامی اصفهان برقرار بود (۹: ص ۱۴۷ - ۱۴۶).

۱۵- مثل دکتر غرضی (۹: ص ۱۱۷).

۱۶- شاید به همین دلیل بوده که علی کرباسی‌زاده به تصحیح و تعلیق کتاب خاندان کلباسی تألیف محمد حائری کلباسی همت گماشت.

۱۷- زرین‌کوب در مورد داستان استرومردخا(ی) در کتاب خود این چنین می‌نویسد: «داستان استرومردخا که تورات جلال و شکوه وی و در عین حال سست‌رایی و شهوت‌پرستی‌اش را جاوید کرده است، بدون شک چیزی جز یک قصهٔ معمول نیست.» (۵: ص ۱۱۷).

۱۸- مثلاً نوشته‌های شاردن در «سفرنامه» در مورد شخصیت «اسدبن عون»، یکی از مجاهدان اسلام، نام و نسب و تاریخچهٔ محلات اصفهان،

تاریخ فوت سلطان ملک علی جارچی (در سال ۷۸۰ هـ) را با عنوان «توضیح در رفع یک اشتباه» تقد کرده است (۹: ص ۱۰۰ - ۹۹).

همچنین به عنوان نمونه؛ وفات سلطان علی، جارچی شاه عباس صفوی، را با استناد به کتاب «عالم آرای عباسی»، در سال ۱۰۲۴ هـ و نام او را با استناد به کتیبهٔ بالای سردر مسجد، «سلطان ملک» می‌نویسد. تاریخ عالم آرای عباسی، جلد دوم، ص ۸۸۵ (۹: ص ۱۰۰ - ۹۹).

نقد بر اشتباه جابری انصاری در مورد نام ملا محمدجعفر (۹: ص ۱۵۰)، رد نظریهٔ کوپایی (کوهپایی) در «رسالهٔ ارث» در شرح احوال صاحب‌بن عباد با نقل مستقیم مطالب وی می‌نویسد: «گفتار مرحوم کوپایی عوامانه و خالی از اعتبار است.» (۹: ص ۱۵۱ - ۱۵۰) یا به عنوان نمونه‌ای دیگر در ذکر منارجنبان به نقد نظریهٔ انصاری و رفیعی در مورد حرکت مناره‌ها پرداخته و نوشته: «علت حرکت آن در مسألهٔ فیزیکی به نام رزونانس یا همنوایی است که در سایر مناره‌ها نیز دیده می‌گردیده است.» (۹: ص ۳۲۱).

۱۹- در مورد ابودرداء صحابی می‌نویسد: «مطابق ادلهٔ تاریخی قبر او در دمشق یا در حمص... می‌باشد. او هیچ‌گاه به اصفهان نیامده است.» (۹: ص ۷۸).

در همین زمان سه نفری با نام‌های عامرین عبدقیس عنبری، نامه‌رسان والیان اموی در عراق در دوران عثمان؛ عامرین عبدقیس عنبری از رجال اجتماعی که در دیوان اموی فعالیت می‌کرد و عامرین عبدالله قیس عنبری از پرهیزکاران عصر خود که در شام از دنیا رفته است. در این مورد رد. ک. ج ۲: ص ۵، ج ۳: ص ۴۷، ج ۲: ص ۹۵ - ۸۷، ج ۲: ص ۶، ج ۱: ص ۴۳۹ - ۴۳۸ و ۶: بخش رجال، به ترتیب ص ۶۹، ۲۳۷، ۸۶.

همین وضعیت را به طور تقریبی برای ابومسعود رازی و اختلاف در باب وابستگی‌اش به تسنن و تشیع آورده است (۹: ص ۸۱ - ۷۸).
۲۰- نمونه‌ای دیگر آنکه در شرح احوال «حججه‌الاسلام شفتی»، خوانندگان را به کتاب دو جلدی «بیان المفایر» ارجاع می‌دهد (۹: ص ۱۶۳).

۲۱- «مظنون آنکه این کاروانسرا باقی‌ماندهٔ مدرسه‌ای است که خواجه نظام‌الملک طوسی در اصفهان ساخته است موضوع قابل بررسی و تحقیق می‌باشد.» (۹: ص ۱۷۹ - ۱۷۸).

۲۲- همچنین سردر تاریخی زاویه درب کوشک که به بهانهٔ توسعهٔ معابر از بین رفته (۹: ص ۱۸ - ۱۷) و مواردی چون مدرسهٔ میرزا مهدی از مدارس طلبه‌نشین و معمور اصفهان در کنار مادی بابا حسن، خانهٔ آقا نورالله نجفی معروف به «ثقه‌الاسلام» و مرکز فعالیتها و اقدامات دینی و سیاسی یا خانهٔ مشروطیت (۹: ص ۱۸) از این نمونه است.

۲۳- در جای دیگری اضافه می‌کند: «هر یک از قُرا و محلات داخل در این دو ناحیه و دیگر روستاهای اصفهان که بعداً جزو شهر گردیده در نتیجه شهر بزرگ اصفهان را تشکیل داده است؛ دارای گورستان مخصوصی مربوط به خود آن کوی و برزن بوده است. برخی از علما و محدثین و صوفیه و اعیان نیز برای خود مقبره‌ای

مخصوص داشتند که در زمان ما عموم آنها از بین رفته و اسامی عده‌ای از آنان در کتابها باقی مانده است.» (۹: ص ۲۳-۲۲).

۲۴- او در این باره می‌نویسد: «با یک مراجعه سطحی در تاریخ علمی شیعه در عهد صفوی به نام دهها و صدها ادیب، حکیم، فیلسوف، فقیه و... برخورد می‌کنیم که در هیچ موقع به این اندازه نبوده است که جهت طالبین علم و وجود مدارس دینی و مدرسین عالی مقام و توجه سلاطین و حکام و وزرا و بزرگان این زمان به علما و مجتهدین عامل بسیار مهم در پیشرفت سطح علمی این زمان بوده است» (۹: ص ۱۶).

۲۵- همچون مبارزه با اخذ امتیازات، مبارزه با رژیم پهلوی، مهاجرت علمای اصفهان به قم در سال ۱۳۴۹ هـ و نهضت مشروطیت و به‌طور اخص در انقلاب اسلامی (۹: ص ۱۷-۱۶).

۲۶- این نمونه می‌تواند ادعای ما را ثابت کند: نویسنده در شرح حال «صاحب بن عباد» پس از ذکر نام و محل تولد وی در عنوان اشاره به سبب بعدی، یعنی «پدر و مادر جناب صاحب» کرده در حالی که ذیل این عنوان می‌نویسد: «ذیلاً به نام چند تن از اساتید و مشایخ او اشاره می‌کنیم.» بلافاصله و با ایجاز، نام «شاگردان و مجازین از او» را نیز آورده و دوباره به عنوان مشاغل و... پرداخته است (۹: ص ۲۸۵-۲۸۴).

۲۷- شاعری در توصیف محله «بیدآباد» یک رباعی را آورده و مشخص نکرده که سراینده آن چه کسی است (۹: ص ۱۶۴). گسیختگی مطالب نویسنده در مواردی چون «مسجد حکیم» که به‌طور پراکنده در عناوین «مسجد جورجیر»، «برف‌انداز» و «مقبره مسجد حکیم» (۹: ص ۱۷۷) به آن اشاره کرده و نیز در مورد «پیر پینه‌دوز» (۹: ص ۱۸۱ و ۱۵۹) و «محله بیدآباد» (۹: ص ۱۶۷-۱۶۳) که در هر قسمت گاه اطلاعات جدیدی را ارائه می‌دهد و شایسته بود همه این اطلاعات مفید و مکمل یکدیگر یک‌جا با عنوان مستقل می‌آمد.

۲۸- به‌عنوان مثال ابتدا فرزند صائب تبریزی، سپس نوه‌اش و بعد در مورد خود صائب صحبت کرده است (۹: ص ۲۸۳-۲۸۲).

۲۹- (۹: ص ۲۸۵-۲۸۴ و ۱۷۹)، ذیل کلمه خواجه. ۳۰- مثلاً در مورد مدفونین «دارالبطحین» آورده: «آلب ارسلان محمد بن جوزیگ در گذشته ۴۶۵ هـ در برخی از کتب قبر او را در این محل نوشته‌اند و یقیناً اشتباه است» (۹: ص ۲۸۵-۲۸۴ و ۱۷۹). ذیل خواجه و ۹: ص ۸۰ و ۱۹۶-۱۹۵.

۳۱- نویسنده در ذکر شاگردان و مجازین از صاحب، نام «اسماعیل بن عباد» را آورده و در توضیح اضافی آورده «فرزندش»، در حالی در جای دیگری نام وی را «اسماعیل بن ابوالحسن عباد» می‌نویسد (۹: ص ۲۸۴). اما در ذکر «اولاد و اعقاب صاحب» آورده: وی یک فرزند دختر بیشتر نداشته که او را به ابوالحسن علی اطروش همدانی داده و دو فرزند از او پیدا کرد (۹: ص ۳۰۴).

این وضعیت را می‌توان در مورد شخصیت و محل قبر «مولانا صوفی» از مشاهیر متصوفه عصر صفوی، نیز مشاهده کرد

(۹: ص ۲۲۱). در این مورد نگارنده مقاله به تفصیل در یک مقاله دیگر و با ارائه مستندات اثری از قبر این فرد نیافت (مقاله دست‌نویس).

۳۲- با دلایل تاریخی اثبات شده که فتح این شهر با صلح و به دست عبداللّه بن بدیل خزاعی انجام گرفته است (ر.ک. ۶: بخش مربوط به اصفهان در دوران عمر، پاورقی).

۳۳- آمدن امام حسن (ع) به اصفهان و اهمیت یافتن «محله لبنان» به خاطر این مسأله، از دیگر مواردی است که به نظر می‌رسد مؤلف با تکیه بر محفوظات خود و روایات شفاهی دیرین که نسلاست بر سر زبانهاست و با گذشته زمان با افسانه‌ها عجین شده این‌گونه مطالب را در کتابش نقل می‌کند (۹: ص ۵۷). همچنین در ذکر مسجد رحیم خان با علی‌رغم تاریخ اختتامه بنا در سال ۱۳۰۴ هـ. می‌نویسد: «مسجد از آثار باستانی است» (۹: ص ۱۶۸). این وضعیت در مورد هارون ولایت مصداق پیدا می‌کند (۹: ص ۲۴۸). در توضیح این مطلب باید گفت به آنچه مربوط به تاریخ قبل از اسلام است، آثار باستانی می‌گویند.

۳۴- مانند وصیت‌نامه شهید علی اکبر آقا بابایی (۹: ص ۳۸۵).

منابع

- ۱- ابن سعد، محمد بن سعد. الطبقات الکبری، دارالصادر، بیروت، ۱۳۷۷ هـ. ق.
- ۲- ابن قتیبه، ابو محمد عبداللّه بن سلام. المعارف تحقیق و تقدیم ثروت عکاشه، الطبعة الثانیة، دارالمعارف، مصر ۱۱۱۹ هـ. ق.
- ۳- ابونعمان اصفهانی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، دارالکتب العلمیة، لبنان، [بی تا].
- ۴- حموی، یاقوت، داراحیاء التراث العربی، بیروت [بی تا].
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران (۱)، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۶- سعیدیان جزئی، مریم. قبیله تمیم و نقش آن در تاریخ اسلام و ایران، کتابخانه اسلام و ایران، قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۷- کلباسی حائری، محمد. خاندان کلباسی، مقدمه و تعلیقات و اضافات محمدعلی نجفی کلباسی و علی کرباسی زاده اصفهانی، کانون پژوهش، اصفهان، ۱۳۸۱ ش.
- ۸- گزی، عبدالکریم. تذکرة القسور، به کوشش ناصر باقری بیدهندی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۱ ش.
- ۹- مهدوی، مصلح‌الدین. مزارات اصفهان، تصحیح و تعلیق اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۰- مهدوی، مصلح‌الدین. سیری در تخت فولاد اصفهان (لسان‌الارض)، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین، تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات ۱)، به کوشش ماهدخت بانو همایی، نشر هما، تهران، ۱۳۸۲ ش.